



رویارویی علمای شیعه با قراردادهای استعماری

مهدی ابوطالبی

لغو قرارداد رویتر با دستور آیت الله ملاعلی کنی

یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های برخی از روشن‌فکران ایرانی، اعطای امتیاز رویتر به اتباع انگلیسی بود. میرزا حسین‌خان سپهسالار، صدراعظم وقت ایران، با همکاری میرزا ملکم، در تاریخ هجدهم جمادی‌الثانی ۱۲۸۹ق، مطابق با ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲م، امتیازی به یک یهودی فراماسون انگلیسی به نام بارون جولیبوس رویتر واگذار کرد.

مفاد قرارداد

براساس این امتیازنامه، امتیازات ذیل به رویتر داده شد:

۱. امتیاز انحصاری ساخت راه‌آهن و تراموا و بهره‌برداری از آن در همه نقاط کشور به طور مطلق به مدت هفتاد سال.
۲. اراضی خالصه به میزان احتیاج رویتر به طور رایگان به او واگذار می‌شود و اراضی و ساختمان‌های شخصی که مورد نیاز است با قیمت عادلانه به او فروخته می‌شود.
۳. مصالح مورد نیاز (سنگ، خاک و ...) را به طور رایگان از اراضی خالصه ایران بردارد و مصالح متعلق به اشخاص نیز به قیمت عادلانه به او فروخته می‌شود.
۴. امتیاز انحصاری حق بهره‌برداری و استخراج از همه منابع معدنی ایران به مدت هفتاد سال (به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی و معادن شخصی) و امتیاز انحصاری بهره‌برداری از جنگل‌ها و آب‌های کشور و حق حفر چاه، ساخت سد و استخراج، حفر کانال و ... به مدت هفتاد سال. در صورت نیاز به استفاده از زمین‌های شخصی، دولت مالکان را مجبور به فروش خواهد کرد.
۵. در عوض امتیازات فوق، بیست درصد از سود خالص راه‌آهن و پانزده درصد از سود خالص معادن، جنگل‌ها و آب‌ها (پس از کسر سایر

۶. اجاره گمرکات ایران به مدت ۲۵ سال و پرداخت سالانه بیست هزار لیره انگلیس در پنج سال اول و از سال ششم شصت درصد عایدات به ایران پرداخت می‌شود.
 ۷. حق تقدم و اولویت در دریافت امتیاز تأسیس بانک و مؤسسات اعتباری، تهیه و توزیع گاز، سنگ‌فرش معابر، تزئین پایتخت، ایجاد راه‌ها، چاپخانه‌ها، تلگراف‌خانه‌ها و آسیاب‌ها نیز با شرکت رویتر است.
 ۸. دولت ایران برای سود پنج درصدی سرمایه و دو درصدی اصل سرمایه ضمانت می‌دهد.
 ۹. کمپانی رویتر و عوامل آن از پرداخت هرگونه عوارض، حقوق و مالیات معاف‌اند.
 ۱۰. رویتر حق صدور اوراق قرضه برای سرمایه‌گذاری شرکت را با بهره مدنظر خود در کشور دارد.
 ۱۱. همچنین شرکت رویتر حق واگذاری حقوق و مزایای این قرارداد را به هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر دارد.^۱
- محتوای این امتیاز در اولین سفر شاه به اروپا که حدود ده ماه بعد از تنظیم این قرارداد بود، یعنی در ماه صفر سال ۱۲۹۰ق مطابق با سال

رودخانه‌ها و اراضی، با حق به کار واداشتن جمیع کارکنان از رعایا، چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد؟ خوب پس از آن که رعایا به رضا یا به حکم، کارکنان ایشان شدند و از دادن منال دیوانی معاف ماندند، آیا به خزانه عامره از کجا و کدام مالکیات و کدام نسق از زراعات چیزی بیاید؟... کمپانی با این همه اموال و این رجال و داشتن راهی به این سهل به بلاد عظیمه ایران، به خصوص به پایتخت، سلطنت و دولت؛ به کدام قلب و اطمینان، چه اطمینان داریم که در طول یک ساعت پر نکند اطراف ما را از

رجال و توپ و تفنگ و غافل گیر نشویم.^۶ ایشان در انتهای نامه از شخص شاه می‌خواهند که «هتتام بر حفظ دین و دولت» داشته باشند و دست خائن به این مملکت و دین را کوتاه کنند؛ از جمله عامل قرارداد ننگین روتیر، یعنی میرزا حسین خان سپهسالار، که بدون اجازه و مشورت با عقلا و خیر خواهان دولت چنین قراردادی را بسته است. براساس این نامه و دستور آیت‌الله ملاعلی کنی، ناصرالدین شاه میرزا حسین خان را از صدراعظمی عزل کرد. ناظم الاسلام کرمانی در این باره می‌نویسد:

«زمانی که ناصرالدین شاه بسر حد ایران معاودت نمود، در رشت لایحه علما به او رسید که مشیرالدوله نباید به ایران بیاید و اگر بخواهد او را به تنهار بیاورید، ما شما را به سمت پادشاهی نمی‌شناسیم. ناصرالدین شاه از آوردن مشیرالدوله خائف شده او را معزول نموده و در رشت به عنوان حکومت گذارده و خود به تهران آمد.»^۷

این اقدام فوری و بی‌چون و چرای ناصرالدین شاه، ناشی از قدرت سیاسی و عظمت آیت‌الله ملاعلی کنی و جایگاه اجتماعی او در بین مردم بود. ناصرالدین شاه آن چنان از این عالم بزرگوار می‌ترسید که نقل شده است روزی ناصرالدین شاه به شکار رفته بود، ناگهان در میانه راه تصمیم به بازگشت گرفت. وقتی علت بازگشت را از او پرسیدند، پاسخ داد: یک لحظه فکر کردم اگر ملاعلی کنی دستور دهد دروازه‌های شهر را به روی من ببندند و دیگر مرا به شهر راه ندهند، چه کنم؟^۸ در مجموع مرحوم ملاعلی کنی با مخالفت خود با قرارداد روتیر، جلوی نابودی منابع کشور مانند معادن، آب‌های زیرزمینی و روزمینی، جنگل‌ها و...؛ و سلطه خارجی‌ها بر منابع اصلی کشور را گرفتند.

لرد کرزون انگلیسی در توضیح علت مخالفت با این قرارداد می‌نویسد:

«به نظر من قوی‌ترین دلیل مخالفت، این حقیقت بود که حقوق حیاتی یک ملت را به سوداگران خارجی واگذار می‌کرد. ما در موارد دیگر و در همین زمانه خود، شر و زبان این طرز کار را درباره سرزمین یا ملت‌های دیگری که از طرف سرمایه‌داران بیگانه وسیله استثمار قرار گرفته بودند

۱۸۷۳ میلادی، منتشر شد. به تعبیر لرد کرزون: «سند حیرت‌انگیزی که انتشارش درست هنگامی که شاه سفر اول ۱۸۷۳ میلادی خود را به خارجه آغاز می‌کرد طوفان هیجان در اروپا برانگیخت».^۹

خیانت‌بار بودن این امتیاز، به حدی واضح است که نویسندگان خارجی نیز از آن ابراز تعجب می‌کنند. نیکی کدی این امتیاز را بزرگ‌ترین امتیازی می‌داند که ایران در کل تاریخ خود واگذار کرد و در هیچ کشوری نظیر نداشت.^{۱۰}

وقتی خبر انعقاد این قرارداد در ایران منتشر شد، در بین مردم و علما هیجانی بی‌سابقه پدید آمد. آنان که با اجرای مفاد قرارداد، خود را اسیر یوغ استعمار و برده کفار می‌دیدند، سراسیمه به حضور آیت‌الله العظمی ملاعلی کنی شتافتند و راه‌حل این مشکل را از او خواستند. آیت‌الله کنی و شیخ صالح عرب، از علمای وقت، نیز براساس وظیفه دینی و آگاهی سیاسی، پرچم مخالفت با ناصرالدین شاه و بانی اصلی امتیاز، سپهسالار، را برافراشتند. آیت‌الله کنی در نامه‌ای به شاه، وی را از عواقب شوم واگذاری چنین امتیازهایی به انگلیسی‌های فریب‌کار برحذر داشت و شخصیت صدراعظم را بازخواست کرد. ایشان در نامه خود خطاب به ناصرالدین شاه، ابتدا توضیح داد که واگذاری این امتیاز چگونه اختیار اموال عمومی کشور را از ملت و شاه می‌گیرد و چه خسارت مالی شدیدی به جا می‌گذارد که به راحتی جبران شدنی نیست:

«از قرار مسموع و مکتوب در عهدنامه، آن که جمیع خلق مجبور به تسلیم اموال و املاک خود باشند از قبیل: جنگل‌ها و معادن و قنوات، بلکه سلطان با اقتدار نیز در این اجبار داخل باشند که املاک خالصه و زر خریدی و معادن و رودخانه‌ها را بتوانند به اجبار ببرند، به حدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آنها را بکند، جمیع نقود خزانه عامره و نقود اجناس متداوله موجوده در دست رعایا به اداء تاوان و زبان ننماید.»^{۱۱}

سپس ایشان به تویخ دولت و دربار و به تعبیری شخص شاه می‌پردازند که به چه حقی و براساس کدام ضابطه و اختیار، مانع ملی و شخصی افراد را به دیگران واگذار کرده است: «دولت را چه تسلط است بر املاک و اشجار و آب و اراضی رعایا که حتماً بفروشند؟ گمان ندارم در شرع خود بلکه سایر ادیان، تجویز این قسم اجبارها شده باشد».^{۱۲} ایشان همچنین با یادآوری نحوه نفوذ انگلیسی‌ها در هند، به خطر سیاسی و فرهنگی این اقدام که موجب سلطه انگلیسی‌ها و کفار بر ایران می‌شود، اشاره می‌کنند: «کمپانی هند، تمام هند با آن وسعت و مکتت را به خریداری و تملک یک جریب زمین مخصوص سکونت خود، برد. کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه آهن و استحقات انتفاع جمیع معادن و

اعتراف خود انگلیسی‌ها
نشان می‌دهد مرحوم
آیت‌الله ملاعلی کنی
با نامه و دستور خود
چگونه به تعبیر لرد
کرزون از واگذاری
حقوق حیاتی ملت
به خارجی‌ها ممانعت
کرد و باعث حفظ
سرمایه‌های ملی کشور

شد.

مشاهده نموده و دیده‌ایم که چگونه قربانی کردار دسته‌هایی از ماجراجویان سودپرست، که در عالم خویش ریزه‌خوار دولت‌ها یا کمپانی‌هایی بودند، واقع شدند و می‌دانستیم که ثبات وضع و استقرار ملی از این راه قابل تأمین نیست.»^۱

اینجاست که اعتراف خود انگلیسی‌ها نشان می‌دهد مرحوم آیت‌الله ملاعلی کنی با نامه و دستور خود چگونه به تعبیر لرد کرزون از واگذاری حقوق حیاتی ملت به خارجی‌ها ممانعت کرد و باعث حفظ سرمایه‌های ملی کشور شد. لرد کرزون ضمن اشاره به این که این گونه امتیازات انحصاری مبالغه‌آمیز موجب رشد و توسعه ایران نخواهد شد، علت بدبینی ایرانی‌ها به ویژه علما به خارجی‌ها و این گونه امتیازات را این گونه توضیح می‌دهد:

چون معمولاً امتیازگر اولی بیشتر در صدد است که حق خود را به دیگری واگذار و نفع سرشاری تحصیل کند و بنابر قاعده چنین شخصی یک آدم ماجراجو و گاهی نیز حقه‌باز است و با شکست این گونه اقدامات بی‌اساس سرمایه‌های معتبر نگران و از مملکت گریزان می‌شوند؛ از این رو اهالی محل نسبت به کار و درستی اروپاییان نظر منفی اتخاذ می‌کنند. منافع ایران به بهترین وجه وقتی تأمین خواهد شد که از طریق جاده‌سازی و کشیدن خط آهن شروع به اقدامات کند نه اینکه با اعطای حقوق انحصاری مبالغه‌آمیز و امتیازهای پرآب و تاب به عناصر ولگرد فتنه‌انگیز، امکان کامیابی خویش را دچار مخاطره سازد.^۲ چنان‌که گذشت علمای تهران، به ویژه آیت‌الله ملاعلی کنی، با تیزبینی و هوشیاری تمام به عمق اهداف خیانت‌بار انگلیسی‌ها از قرارداد به ظاهر اقتصادی رویتر پی بردند و با اقدام قاطع و شجاعانه خود باعث حفظ معادن و منابع زیرزمینی و روزمینی و سرمایه‌های ملی کشور و مانع سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کفار بر کشور مسلمین شدند.

**لغو قرارداد رژی با حکم ولایی میرزای شیرازی
(نهضت تحریم تنباکو)**

مفاد قرارداد

قرارداد رژی قراردادی بود که ناصرالدین شاه با یک شرکت انگلیسی به نام رژی در سال ۱۳۰۷ق، مطابق با ۱۲۶۷ش و ۱۸۹۰م، منعقد کرد. براساس این قرارداد، امتیاز انحصاری تولید، خرید و فروش و تجارت دخانیات، یعنی توتون و تنباکوی کشت ایران، در داخل و خارج از کشور به مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این انحصارنامه به ماژور تالبوت و شریک‌های وی واگذار شد. براساس این قرارداد:

- هرگونه معامله توتون، تنباکو، سیگار، انقیه و ...؛ و اجازه خرید و فروش حق خالص صاحب این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه‌نامه‌های مزبوره ندارند و نخواهند داشت.
- جمع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان این





مشکل اصلی سیاسی در امتیاز تنباکو این بود که تنباکو و دخانیات یکی از نبض‌های مهم اقتصادی کشور بود و بنابراین آمارهای موجود، زندگی اقتصادی حدود یک پنجم مردم ایران به شکل‌های مختلف اعم از زراعت، دلالی، معامله، تجارت و صادرات، به این محصول وابسته بود. سلطه کفار بر این نبض مهم اقتصادی، زمینه سلطه سیاسی بر کشور را فراهم می‌کرد و نافی استقلال حکومت بود.

۶۳۰ هزار لیبره از عثمانی گرفته بودند؛ یعنی حدود چهل برابر حق الامتیاز ایران. این در حالی بود که تولید توتون و تنباکو ایران بسیار بیشتر از عثمانی بود. برخی از تجار ایران حاضر بودند سالانه بیست هزار لیبره فقط برای تنباکوی صادراتی اصفهان بدهند (غیر از فروش داخلی).^{۱۳} مشکل اقتصادی دیگر این امتیاز، ناشی از انحصاری بودن آن بود. وقتی مردم حق نداشتند تنباکوی خود را به غیر از شرکت انگلیسی به شخص دیگری بفروشند، رقابتی در خرید اجناس دخانیه نبود و این انحصار موجب کاهش قیمت و رکود آن در بازار می‌شد و فروشنده مجبور بود به قیمتی که شرکت تعیین می‌کرد، مال خود را بفروشد و اگر نمی‌فروخت، شرکت انگلیسی تنباکوی وی را مصادره می‌کرد و دیگر مجبور به فروش بود. این کار همه همواره با نارضایتی فروشنده انجام می‌گرفت، موجب ضرر اقتصادی و حتی بطلان معامله و ترتب مشکلات شرعی مختلف بر آن می‌شد.

به دلیل همین انحصار و عدم رقابت در خرید تنباکو، گزارش شده تنباکوی هفت و نیم ریالی را به چهار و نیم ریالی یا حتی کمتر می‌خریدند.^{۱۴} همچنین تعیین برخی شرایط خاص در خرید اجناس یا تأخیر در خرید از زمان خاص رسیدن محصول، خسارات متعدد و مختلف مالی برای زارعان و مالکان داشت.

مشکل اصلی سیاسی در امتیاز تنباکو این بود که تنباکو و دخانیات یکی از نبض‌های مهم اقتصادی کشور بود و بنابراین آمارهای موجود، زندگی اقتصادی حدود یک پنجم مردم ایران به شکل‌های مختلف اعم از زراعت، دلالی، معامله، تجارت و صادرات، به این محصول وابسته بود. سلطه کفار بر این نبض مهم اقتصادی، زمینه سلطه سیاسی بر کشور را فراهم می‌کرد و نافی استقلال حکومت بود. لمبتون نیز در توضیح اهداف روسیه در روابط اقتصادی با ایران به همین نکته اشاره دارد:

افتادن تجارت یک مملکت ضعیف عقب‌افتاده به دست اتباع یک مملکت قدرتمند تقریباً با اعمال نفوذ سیاسی غیرقابل جلوگیری همراه است... تجارت برای او [روسیه] وسیله‌ای برای نفوذ و تسلط سیاسی به شمار می‌رفت.^{۱۵}

این سلطه سیاسی، براساس مبانی قرآنی، امری مطرود و منافی صریح آیات قرآن بود. بر همین اساس در بیانیه‌ها، نامه‌ها و تلگراف‌های متعددی که در نهضت تنباکو منتشر شده، مانند تلگراف میرزای شیرازی، به شکل‌های مختلف به اصل «نفی سبیل» براساس آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» اشاره شده است:

«جَزَاءُ مَادِحِلَةِ اتِّبَاعِ خَارِجِهِ فِي أُمُورِ دَاخِلِهِ مَمْلَكَةٍ وَ مَخَالَطَةِ وَ تَرَدُّدِ أَهْلِهَا بِأَسْوَاقِهَا عَلَى عَمَلِ تَنْبَاكُو وَ بَانِكِ وَ رَاهِ أَهْلِ وَ غَيْرِهَا مِنْ جِهَاتِي چندان

امتیاز داخل ایران می‌آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

۳. هرگونه حمل و نقل توتون و تنباکو در داخل کشور بدون اجازه صاحبان این امتیاز ممنوع است؛ مگر آنچه مسافران برای استفاده روزانه خودشان همراه داشته باشند.

۴. شرکت رژی در حد لزوم اجرای این امتیازنامه، مثل تهیه انبار، حق خرید و تملک زمین نیز دارد.

۵. صاحبان امتیاز با اطلاع قبلی به دولت ایران، حق واگذاری آن را به هر کسی که بخواهند دارند.

در مقابل این امتیاز، شرکت رژی موظف بود:

۱. سالانه مبلغ پانزده هزار لیبره انگلیسی به خزانه دولت بپردازد، اعم از اینکه از این کار نفع ببرند یا متضرر شوند. این پول هر ساله در پنج ماه اول سال پرداخت می‌شود.

۲. سالانه بعد از کسر همه مخارج شرکت و تقسیم پنج درصد سود سرمایه بین صاحبان این امتیاز، یک چهارم منافع باقی مانده به خزانه دولت ایران خواهد شد.

۳. شرکت موظف است در مقابل خرید توتون و تنباکو از زارعان، وجه نقد به آنها پرداخت کند.^{۱۶}

مشکلات قرارداد و نارضایتی مردم

پیامدهای گوناگون قرارداد تنباکو، موجب نارضایتی‌هایی در بین اقشار مختلف جامعه شد که این نارضایتی‌ها باعث شکل‌گیری نهضت تحریم تنباکو در ایران شد. مشکلاتی را که براساس این قرارداد برای مردم ایران پیش آمد می‌توان در سه بعد فرهنگی - مذهبی، اقتصادی و سیاسی بررسی کرد. مشکلات فرهنگی - مذهبی مثل گسترش فساد، فحشا و لاپرواہی‌گری، به دلیل حضور فرنگیان در ایران؛ رفتارهایی مثل بی‌حجابی، شراب‌خواری، قماربازی، روابط نامشروع با زنان و ... که بر رفتار ایرانیان تأثیر گذار بود. تبلیغ مسیحیت، تضعیف احکام اسلامی، تحقیر و ذلت مسلمین در مقابل کفار؛ از دیگر پیامدهای منفی فرهنگی - مذهبی این قرارداد بود.^{۱۷}

مشکلات اقتصادی قرارداد دو دسته بود: دسته اول، مشکلات کلی و کلان قرارداد که ضرر کلان برای دولت و مردم داشت. دسته دوم، مشکلات جزئی که برای آحاد افراد جامعه پدید آورده بود. یکی از مشکلات کلان این قرارداد، تناسب نداشتن بین امتیازهای داده شده و امتیازهای گرفته شده بود. حق الامتیاز این قرارداد برای دولت ایران سالانه پانزده هزار لیبره بود، در حالی که مشابه همین امتیاز را انگلیسی‌ها با پرداخت سالانه

«ولایت» در این جنبش بزرگ و عظیم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اقشار مختلف مردم ایران این حکم را به شکل گسترده و بی‌سابقه‌ای پذیرفتند؛ به گونه‌ای که در کتب تاریخی نقل شده تا نیمه روز اول، صدهزار نسخه از فتوای میرزا در تهران و دهات اطراف منتشر شد.^{۳۳} پرهیز همه اقشار مردم، حتی مشتی‌ها و لوطی‌ها که اهل مفاسدی مثل شراب‌خوری بودند، از استعمال تنباکو؛ شکستن چپق‌ها و ریختن چپق‌های شکسته در تخته‌گاه اداره کمپانی؛ تعطیلی دکان‌های قلیان‌سازی و هر نوع وسایل مربوط به دخانیات؛ شهادی بر این ادعاست.^{۳۴} تبعیت مردم از حکم میرزا به دلیل اعتقاد آنها به ولایت او بر مردم، از باب نیابت ایشان از امام زمان (عج) بود. در تعبیر مختلفی که در این دوره درباره این حکم به کار رفته، در موارد متعددی به بحث نیابت میرزا از امام زمان (عج) اشاره شده است و مخالفت با این حکم را مخالفت با امام زمان (عج) می‌دانستند.

برخی حتی معتقد بودند این حکم میرزا در حقیقت توطئه و حکم امام زمان (عج) است که به واسطه میرزا به دست مردم رسیده است. بنابراین نهضت عظیم تحریم تنباکو با اقدام علمای بزرگ مناطق مختلف ایران، قیام مردم و حکم میرزای شیرازی و تبعیت مردم از این حکم، براساس اعتقادشان به ولایت میرزا و نیابت او از امام زمان (عج) و یا حتی اعتقادشان به توقیع خاص بودن آن از طرف امام زمان (عج) شکل گرفت و سرانجام به پیروزی رسید. این قیام مانع تداوم یک قرارداد مهم استعماری شد که پیامدها و مشکلات فراوان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای ایران داشت.

نهضت عظیم تحریم تنباکو با اقدام علمای بزرگ مناطق مختلف ایران، قیام مردم و حکم میرزای شیرازی و تبعیت مردم از این حکم، براساس اعتقادشان به ولایت میرزا و نیابت او از امام زمان (عج) و یا حتی اعتقادشان به توقیع خاص بودن آن از طرف امام زمان (عج) شکل گرفت و سرانجام به پیروزی رسید.

لغو قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق الدوله با تلاش شهید مدرس

در سال ۱۹۱۷ م که انقلاب اکتبر روسیه پدید آمد، نفوذ روس‌ها در ایران تا حدودی از بین رفت؛ چون روسیه از طرفی درگیر مسائل داخلی خود شد و از طرف دیگر حکمت جدید که رویکرد ضد امپریالیستی و سیاست حمایت از توده‌های فقیر داشت، از اقدامات سلطه‌جویانه قبلی دست برداشت. این مسئله، فضا را برای رقیب دیرینه روس‌ها، یعنی انگلیسی‌ها، باز کرد و آنها را به فکر استفاده از این موقعیت مناسب انداخت که با استفاده از فقلان رقیب در میدان، در قالب یک قرارداد اقتصادی، سلطه کامل خود بر ایران را فراهم کنند. بر همین اساس، قراردادی در نهم اوت ۱۹۱۹ م بین انگلیسی‌ها با نمایندگی سرپرستی کاکس، وزیر مختار بریتانیا در ایران، و دولت ایران با نمایندگی وثوق الدوله، نخست‌وزیر وقت، بسته شد. بر اساس این قرارداد، با اختیاراتی

منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت است.^{۳۶} بعدها پس از لغو قرارداد رژی، کشف اسلحه و مهمات و صندوق‌های متعلق به کمپانی رژی در گمرک ایران، این ذهنیت را تقویت کرد.^{۳۷} پس از تصویب و اعلان رسمی امتیاز، برای هر ایالتی هیئتی از فرنگی‌ها با عنوان وکلای کمپانی تشکیل و مقرر شد این هیئت‌ها با اعزام به مناطق مختلف کار خود را آغاز کنند. با حضور این افراد در ایالت‌های مختلف و اقدام به ضبط و خرید محصولات دخانیات، مشکلات مردم آغاز شد. آن‌گونه که شیخ حسن کربلایی گزارشگر لحظه به لحظه وقایع نهضت تنباکو می‌نویسد: «از آن‌جا که چاره درمان این‌گونه دردهای عمومی مملکت ایران، علمای ملتاند، [لاجرم] اصناف مردم عمومی، در هر بلد، روی شکایات به در خانه علمای ملت بردند».^{۳۸} اولین گروه اعزامی فرنگیان به ایالت فارس رفتند. مردم شیراز به شیوه مرسوم همیشگی برای دادخواهی و شکایت به پناهگاه و ملجأ اجتماعی رایج خود، یعنی علما، رجوع کردند. مرجع اصلی مردم در این مسئله در شیراز آیت‌الله سیدعلی اکبر فال اسیری بود که به دلیل شجاعت و قوه بیانیش در بین علمای شیراز معروف بد. مرحوم فال اسیری در اجتماع مردم در شیراز به منبر رفت و با سخنرانی مهمی، علیه دولت و صاحب امتیاز، اعلام جهاد کرد.^{۳۹}

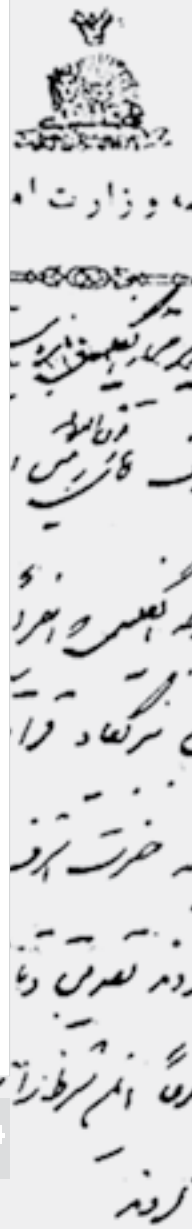
در تبریز نیز با انتشار خبر حرکت نمایندگان شرکت رژی به تبریز، سرودهای مردم بلند شد و چون شنیده بودند میرزای شیرازی در تلگراف به ناصرالدین شاه امتیاز انحصاری توتون و تنباکو را برخلاف مذهب دانسته است، مغازه‌ها را بستند و نزد آیت‌الله میرزا جوادآقا تبریزی رفتند و حدود بیست هزار نفر مسلح برای مقابله با هر اتفاقی فراهم کردند. در اصفهان نیز همانند سایر شهرهای ایران مردم برای حل مشکل به علما رجوع کرده و از آن‌جا که به تعبیر شیخ حسن کربلایی «در نفوذ کلمه ملت و متبوعیت علما، فی‌الجمله اختصاص و امتیازی است»^{۴۰} علمای بزرگ آن شهر پس از هم‌اندیشی درباره این «داهیه عمومی عظمی»^{۴۱} بهترین و تنها راه مقابله با این قرارداد ننگین را ممنوعیت استعمال دخانیات و سدّ باب معاملات و داد و ستد این اجناس دانستند؛ بنابراین اصفهان اولین شهری است که علما در آن‌جا به نهی از استعمال دخانیات حکم دادند. در گزارشی که ظل‌السلطان در تاریخ نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ ق - بیش از یک ماه قبل از صدور حکم میرزای شیرازی - برای شاه فرستاده، درباره رفتار علمای اصفهان یعنی آقانجفی و برادرش آقا محمدعلی و نیز آقا باقر فشارکی می‌نویسد:

«این غلام [ظل‌السلطان] نمی‌دانست در منبر و مسجد و خانه‌شان چه می‌گویند و در مجلس درس چه مذاکره می‌نمایند؟ در این سه‌جا، کشیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را «کافر و واجب‌القتل» و نوکر و بستگان آنها را «نجس‌العین» اعلان کرده‌اند»^{۴۲}

در تهران نیز حرکت به رهبری روحانیون، به خصوص مرحوم میرزا حسن آشتیانی و شهید شیخ فضل‌الله نوری، آغاز شد و تداوم پیدا کرد.

لغو امتیاز براساس حکم ولایی میرزای شیرازی

در این نهضت، با همه فراز و فرودهایش فتوای تاریخی مرجع عالیقدر شیعیان، مرحوم میرزا محمدحسن شیرازی، نقش اصلی و محوری را داشت. نحوه ابلاغ این حکم و پیامدها و آثار آن حاکی از نقش محوری



مخالفت‌های مدرس و افکار عمومی، مجلس این قرارداد را رد کرد و وثوق‌الدوله نیز از کار برکنار شد. مدرس افزون بر سخن مجلس، در عرصه‌های دیگر نیز با قرارداد ۱۹۱۹ مبارزه می‌کرد؛ از جمله قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی راه، که ضد این قرارداد بود، تأیید کرد و از مردم خواست با وی همکاری کند.^{۲۹}

همچنین گفته شده است مدرس و میرزا کوچک‌خان در مقابله با این قرارداد، توافق‌های محرمانه‌ای داشته‌اند.^{۳۰} مخالفت‌های فراوان با این قرارداد، مانند مخالفت علما، به ویژه شهید مدرس، موجب لغو این امتیاز و خروج وثوق‌الدوله از ایران و رفتن وی به اروپا شد؛ زیرا کاکس در ضمیمه قرارداد، وعده پناهندگی به وی داده بود.^{۳۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. جلال‌الدین مدنی؛ تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران؛ ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۳.
۲. همان، ص ۶۲۲.
۳. نیکوی آر، کدی؛ ریشه‌های انقلاب ایران؛ ترجمه عبدالرحیم گواهی؛ ص ۱۱۰.
۴. ابراهیم تیموری؛ عصر بی‌خبری؛ ص ۱۲۵.
۵. همان.
۶. محمدناظم‌الاسلام کرمانی؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۰۶.
۸. میرزا هادی حسینی خراسانی؛ معجزات و کرامات ائمه اطهار(ع)؛ ص ۲۷.
۹. جرج کرزن؛ ایران و قضیه ایران؛ ج ۱، ص ۶۲۴.
۱۰. همان، ص ۶۲۶.
۱۱. مجدالاسلام کرمانی؛ تاریخ انحطاط مجلس؛ ص ۱۲۵.
۱۲. ابراهیم تیموری؛ تحریم تنباکو؛ ص ۴۲-۴۳/ شیخ حسن کربلایی؛ تاریخ دخانیه یا تاریخ تنباکو؛ ص ۷۵-۷۳.
۱۳. محمدرضا زنجانی؛ تحریم تنباکو؛ ص ۵۳.
۱۴. همان، ص ۱۰۴.
۱۵. آن. کس لمبتون؛ سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام؛ ص ۳۰۳.
۱۶. اعتمادالسلطنه؛ خاطرات اعتمادالسلطنه؛ ص ۷۸۰.
۱۷. ابراهیم تیموری؛ تحریم تنباکو؛ ص ۲۲۱.
۱۸. شیخ حسن کربلایی؛ تاریخ دخانیه؛ ص ۸۴.
۱۹. ابراهیم تیموری؛ تحریم تنباکو؛ ص ۶۹.
۲۰. شیخ حسن کربلایی؛ تاریخ دخانیه؛ ص ۱۰۴.
۲۱. همان، ص ۱۰۵.
۲۲. ابراهیم صفایی؛ اسناد سیاسی دوران قاجاریه؛ ص ۲۲-۲۳.
۲۳. شیخ حسن کربلایی؛ تاریخ دخانیه؛ ص ۱۱۸.
۲۴. همان، ص ۱۱۸-۱۲۰.
۲۵. جلال‌الدین مدنی؛ تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران؛ ج ۲، ص ۳۱۶-۳۱۸ (متن باورقی شماره ۲).
۲۶. همان، ص ۳۳۴.
۲۷. همان، ص ۳۳۳.
۲۸. محمدترکمان؛ مدرس در پنج دوره تقنینیه؛ ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۷/ ج ۲، ص ۱۰۱.
۲۹. میرزا اسماعیل جنگلی؛ قیام جنگل (یادداشت‌های میرزا اسماعیل جنگلی، خواهرزاده میرزا کوچک‌خان)؛ ص ۴۸-۴۷.
۳۰. همان، ص ۳۳۴-۳۳۵.
۳۱. برگرفته از کتاب عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی، مهدی ابوطالبی، فصل سوم، ص ۸۵ الی ۱۲۲.

که به مستشاران انگلیسی - البته با هزینه ایران - داده می‌شد، اصلاحات و تغییرات در امور اقتصادی و مالیه (ماده ۲ و ۶) امور اداری و وزارتخانه‌ها (ماده ۲) و امور نظامی و ارتش ایران (ماده ۳) با اختیارات لازم و مکفی (ماده ۲) زیر نظر آنها انجام می‌شد و به نوعی مدیریت این گونه امور، با اختیارات مکفی برای مدتی نامحدود و نامشخص تحت اختیار و نظارت مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت. همچنین سرمایه‌گذاری انگلیس در بخش توسعه راه‌ها (ماده ۵) و اعطای وام به ایران و بازپرداخت آن از طریق درآمد گمرک (ماده ۴) برای انجام این اصلاحات پیشنهاد شده بود.^{۳۵}

هرچند در این قرارداد، به ظاهر، بر استقلال و تمامیت ارضی ایران تأکید شده بود؛ اما با توجه به سلطه انگلیسی‌ها بر امور نظامی و مالیه ایران، عملاً استقلال از بین می‌رفت؛ چنان‌که روزنامه «تان» فرانسه درباره این قرارداد نوشت:

«پیمان جدید مآلاً به ضرر ایران تمام خواهد شد؛ همین که به موجب این پیمان، امور ارتش و دارایی ایران به دست افسران انگلیسی قرار بگیرد، نشان می‌دهد هیچ‌گونه نیروی نظامی مستقل یا منابع مالی مستقل در اختیار حکومت ایران نخواهد بود.»^{۳۶}

دولت انگلیس برای تحقق این قرارداد، رشوه‌های زیادی به مسئولان سیاسی و وزرای ایران پرداخت. کاکس در نامه‌ای به لرد کرزن، وزیر خارجه، می‌نویسد: «۱۱ اوت ۱۹۱۹ ده هزار تومان و ۱۳ اگوست ۱۹۱۹ نود هزار تومان، بانک شاهی به صارم‌الدوله پرداخت کرده و ۱۹ سپتامبر، دویست هزار تومان به حساب وثوق‌الدوله گذاشته»^{۳۷}.

شهید مدرس، که تابعیت و محکومیت ایران را بر نمی‌تافت، قرارداد وثوق‌الدوله را به منزله تحکیم مواضع ابرقدرت‌ها و افزایش رنج ملت ایران دانست و به محض انتشار خبر انعقاد قرارداد، با شور و هیجان بسیار پا به میدان ستیز با استعمار نهاد و با آن مخالفت ورزید. شهید مدرس درباره ماهیت این قرارداد بیان کرد روح این قرارداد، استقلال مالی و نظامی ایران را از بین می‌برد و مضر به دیانت اسلام و سیاست ایران و استقلال کشور است. وی معتقد بود اگر کسی به طور دقیق به مطالعه و بررسی این قرارداد می‌پرداخت و روح و منظور باطنی قرارداد را می‌شکافت، فوراً می‌فهمید و استنباط می‌کرد که این قرارداد می‌خواهد استقلال مالی و نظامی مان را از دستمان بگیرد، چون اگر بنا باشد ایران مستقل بماند همه چیزش باید دست ایرانی باشد؛ حالش، مالش، حیثیتش، چاهش، چه‌اش، همه چیزش باید متعلق به ایران باشد. اما این قرارداد یک دولت خارجی را در دو چیز مهم مملکت شریک می‌کرد: در پولش و قوه نظامی‌اش.^{۳۸}

در هر صورت، وثوق‌الدوله تصمیم داشت این قرارداد را در مجلس با طرفداران خود به تصویب برساند، ولی بر اثر